

# نقش آفرینی اسلام در تحولات سیاسی

یکم: درباره عنایت

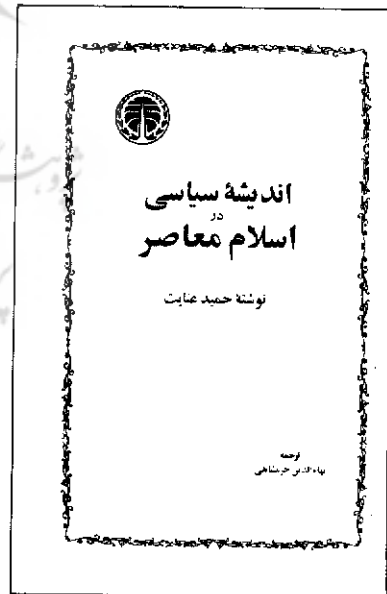
حمید عنایت (۱۳۶۱-۱۳۱۱) در دانشگاه‌های تهران و مدرسه اقتصاد و علوم سیاسی لندن تحصیل کرده و مدرک دکترای خود را دریافت کرد. او پس از اتمام تحصیلات در دانشگاه‌های خارطوم، تهران و کالج سنت آنتونی دانشگاه آکسفورد به تدریس پرداخت. دکتر عنایت در عمر نسبتاً کوتاه خود تألیفات و ترجمه‌های بسیاری از خود در زمینه‌های مختلف به جای گذاشته است. از جمله مهم‌ترین تألیفات او بنیاد فلسفه سیاسی در غرب، جهانی از خود بیگانه، اسلام و سوسیالیسم در مصر، سیری در اندیشه سیاسی عرب شش گفتار درباره دین و جامعه و اندیشه سیاسی در اسلام معاصر است. مرحوم عنایت همچنین آثار بسیاری را در زمینه ادبیات، فلسفه و سیاست به فارسی برگردانده است که مهم‌ترین آنها عبارت است از: سیاست ارسطو، فلسفه هگل، تاریخ طبیعی دین، لوی استروس و هربرت مازکوه علاوه بر این مقالات تألیفی متعددی از ایشان به زبان‌های فارسی و انگلیسی به چاپ رسیده است.<sup>۱</sup>

علی عنایتی شبکلائی  
پژوهشگر علوم سیاسی

در کنار مطالعات و بررسی‌های شخصی که عنایت در باب نهادها و اندیشه‌های سیاسی در ایران و جهان اسلام با تأکید بر خاورمیانه دارد، نباید از جهد وی در سازماندهی برخی دیگر از تلاش‌ها به‌خصوص در ترجمه و انتقال صفحاتی از اندیشه‌های سیاسی به شکل‌های معرفی برخی از آثار، ترجمه پاره‌ای دیگر و بالاخره توجه به آشنا ساختن دانش‌پژوهان با اندیشه‌های سیاسی در قالب مجموعه‌هایی همچون خدانان اندیشه سیاسی با همکاری دیگران، غفلت کرد. کارهای علمی عنایت، به دو حوزه اصلی اختصاص دارد. یکی شناخت و بهتر بگوییم شناساندن دقیق غرب از طریق فلسفه و فلسفه سیاسی آن حوزه تمدنی و دیگری خودشناسی از راه تحقیق و تتبع در اندیشه سیاسی ایران و اسلام. با توجه به گستره و ژرفای آثار حمید عنایت و همچنین با در نظر گرفتن این نکته که وی از نوآوران و الگوسازان در زمینه علوم سیاسی و به‌ویژه اندیشه سیاسی با تأکید بر اندیشه سیاسی در اسلام و ایران است، می‌توان ایشان را از پیشقروالان و صاحب‌نظران علم و اندیشه سیاسی در ایران دانست. هرچند ممکن است عنوان پدر علم سیاست در ایران، آنگونه که یکی از عنایت‌پژوهان جوان بیان کرده است،<sup>۲</sup> محل تأمل و نقد باشد، اما حتی مخالفان عنایت نیز به این نکته معترف‌اند که ایشان یکی از استادان و اندیشمندان و مؤلفان بزرگ علوم سیاسی در ایران، نه تنها در دوره خود بلکه پیش و پس از خود، بوده است.

دوم: درباره کتاب اندیشه سیاسی در اسلام معاصر

در میان آثار متعدد حمید عنایت کتاب اندیشه سیاسی در اسلام معاصر یکی از اصلی‌ترین و جدی‌ترین آنها است. زیرا این کتاب از نظر موضوع و روش و محتوا دارای ویژگی‌هایی است که جایگاه ارزشمندی در مجموعه تألیفات عنایت و سایر آثار مشابه، حداقل در زبان فارسی، به آن بخشیده است. این کتاب که از آن به عنوان آخرین کتاب دکتر عنایت یاد می‌شود در تابستان ۱۳۶۱، اندکی پیش از درگذشت مؤلفه انتشار یافت.<sup>۳</sup> مرحوم عنایت کتاب را به زبان انگلیسی و در زمانی که در کالج سنت آنتونی دانشگاه آکسفورد به تدریس و تحقیق مشغول بود، تألیف کرد. فعالیت



- اندیشه سیاسی در اسلام معاصر
- حمید عنایت
- بهاء‌الدین خرمشاهی
- خوارزمی
- ۱۳۸۰ (چاپ چهارم)، ۵۵۰۰ نسخه، ۲۵۴ صفحه

علمی در انگلستان و دایره وسیع‌تر مخاطبان موجب شد تا کتاب به زبان انگلیسی تدوین شود.

مؤلف در پیشگفتار کتاب می‌نویسد: این کتاب اندیشه‌های سیاسی مسلمانان را در قرن حاضر، به ویژه اندیشه‌هایی را که مصریان و ایرانیان نیز بعضی از نویسندگان و متفکران پاکستان، هند لبنان، سوریه و عراق بیان داشته‌اند، توصیف و تعبیر و تفسیر می‌کند. این کتاب عمدتاً به اندیشه‌ها می‌پردازد: از تاریخ و جامعه‌شناسی فقط در مواردی کمک گرفته شده است که به روشن کردن زمینه اندیشه‌ها مدد برسانند. آنچه به تأکید بیشتر نیازمند است این نکته است که این کتاب، آنقدر که به اندیشه‌های اسلامی می‌پردازد، به اندیشه‌هایی که مسلمانان طبق برداشت خود عرضه داشته‌اند نمی‌پردازد. منظور آن است که به اندیشه‌های اسلامی‌ای می‌پردازد که در جامه اطلاعات و مقولات رسمی فقه و کلام و سایر معارف اسلامی بیان شده، هرچند ممکن است بسیاری از آنها غیرسننی و غریب و نامعهود بنماید.

در اینجا باز هم از بیان مرحوم عنایت استفاده کرده و سازماندهی کتاب را از نوشته ایشان نقل می‌کنیم: این کتاب با مقدمه‌ای آغاز می‌گردد که در آن شیوه‌ای که میراث سنتی بر سیر تکوینی اندیشه‌های جدید اثر گذاشته، یا باعث شده که این اندیشه‌ها برای مخاطبان مذهبی معقول و مطلوب به نظر برسد، تشریح شده است. به دنبال آن تفاوت‌های سیاسی بین دو مذهب یا دو فقه عمده اسلام، یعنی تشیع و تسنن، به ویژه روند دوگانه تعارض و توافق بین آنها بررسی شده است. قصد اصلی این است که نشان بدهیم رابطه بین این دو در عصر جدید، رفته رفته تحول یافته، و لاقدر در قلمرو و آموزه‌های سیاسی، از صورت برخورد حاد به صورت مواجهه بارور بین فرقه‌ای درآمده است. این راهبرد در چند مورد دیگر کتاب نیز معمول شده و نمونه‌های بیشتری از به هم نزدیک شدن پیدا و پنهان دو فرقه، آرایه گردیده است. فصل‌های باقیمانده به دو مضمون اساسی و متفرعات آنها اختصاص داده شده است. اندیشه حکومت اسلامی از همان اوانی که پس از انقاع خلافت در ترکیه در سال‌های دهه ۱۹۲۰ احیاء شد تا آخرین سال‌های دهه ۱۹۷۰، و واکنش مسلمانان به معارضة ایندولوژی‌های بیگانه جدید یعنی ناسیونالیسم، دموکراسی و سوسیالیسم.

#### سوم: مروری بر محتوا

عنایت در فصل اول با عنوان «تشیع و تسنن: تعارض و توافق» ابتدا به روحیه تشیع اشاره می‌کند و در این مبحث به برخی ویژگی‌های تشیع همچون تکروی، باطنی‌گری، موجبیّت تاریخی، آرمانخواهی، برداشت بدبینانه از طبیعت انسان، لاقیدی متناقض نما نسبت به سیاست و عاطفه‌گری اشاره می‌کند (صص ۴۳-۶۱) و مدعی است که این ویژگی‌ها هیأت و حالت اساسی تشیع تاریخی را در برابر اهل تسنن تشکیل می‌دهد. (ص ۶۱) مؤلف در مبحث دوم این فصل با عنوان جدل‌پردازی به مجادله‌های سنی - شیعی اشاره می‌کند. این جدل‌ها در دو جنبه شخصیت‌های تاریخی، به‌ویژه شخصیت‌های صدر اسلام و آراء و عقاید متفاوت و بعضاً متعارض شیعیان و سنیان مربوط می‌شود. در این قسمت انتقادهای شیعیان از شخصیت‌های سنی و رذیله‌های سنیان بر عقاید شیعیان آورده شده است. عنایت در بخش پایانی این فصل به کوشش‌های نظری و عملی در راه آشتی اهل تشیع و اهل تسنن اشاره می‌کند. او در این باره کوشش‌های فرقه صوفیان کبرویه (منسوب به نجم‌الدین کبری مؤسس فرقه) در قرون هفتم و هشتم، (صص ۷۵-۷۶) نادرافشار (پادشاهی شیعی ایران)، در اواخر قرن دوازدهم (صص ۷۸-۷۶) و تجددخواهانی همچون سیدجمال‌الدین اسدآبادی و محمد عبده در قرن سیزدهم (صص ۸۱-۷۹) را در کاهش اختلاف‌های شیعیان و سنی‌ها مطرح می‌کند. با این حال مؤلف به این نکته اشاره دارد که با وجود روند تجددخواهی و تحولات سیاسی و اجتماعی در کشورهای اسلامی که موجب طرح نظرات آشتی‌جویانه شده است، دیدگاه‌های اختلاف‌برانگیز نیز همچنان از سوی شخصیت‌های دو جناح عمده مسلمانان بیان می‌شود. (ص ۹۷)

مؤلف در فصل دوم به بررسی مسأله خلافت در اندیشه سیاسی معاصر در کشورهای اسلامی و نزد اندیشمندان مسلمان می‌پردازد و از آن تحت عنوان بحران خلافت یاد می‌کند. از آنجا که مسأله خلافت در نزد مسلمانان سنی مطرح است،



اینکه عنایت، هم در دوره خود

و هم در دوره کنونی شخصیتی برجسته در عرصه اندیشه

و علم سیاسی محسوب می‌شود

به این نکته برمی‌گردد که او با مطالعه‌ی

آثار و منابع پیشینیان و درک و فهم پدیده‌ها

و رویدادهای دوره‌ای که

در آن می‌زیست توانست گفتمان‌ها،

مفاهیم و روندهای کلان را

پیش‌بینی کند



عنايت تأکيد می‌کند که اندیشه سیاسی سنی در عصر جدید با الغای خلافت به حکم مجلس کبير ملی ترکیه در سال ۱۹۲۴ به نقطه عطفی رسید. این یکی از آن رویدادهای نمادین در تاریخ بود که هرچند با تأخیر، زوال نهادهای ارج‌دار کهن را رقم می‌زد. این رویداد در زمانی رخ داد که تجددخواهی دینی آغاز شده به همت اسدآبادی و عبده شور و شتاب خود را از دست داده بود. الغای خلافت، بحثی عمیق بین تجددخواهان و سنت‌گرایان به راه انداخت و چندی امید تشکیل ترکیبی از آرای متخالف را به عنوان سرآغاز احیای اندیشه سیاسی اسلامی ایجاد کرد. ولی به زودی مشاجرات تلخ همراه با واکنش‌هایی که در قبال دین‌زدایی و عرفی‌سازی ترکیه پدید آمده بود، منتهی به برخوردهای شدیدتری شد که به نفع سنت‌گرایان تمام شد و بالنتیجه با کشاندن ذهن مسلمانان به جست‌وجوی بدیلی برای خلافت، بدل به یکی از عواملی شد که صلاهی حکومت اسلامی در می‌داد. (ص ۹۹)

روند شکل‌گیری و برچیده شدن خلافت در ترکیه و سپس بررسی اثر بحران بر اندیشه سیاسی در خارج از این کشور در فصل دوم بررسی شد. عنايت معتقد است که واکنش معتبر دینی در قبال الغای خلافت در هند توسط ابوالکلام آزاد و اقبال و در مصر توسط علی عبدالرازق سر زد. عبدالرازق به عنوان منتقد خلافت می‌گوید خلافت نه مبنایی در کتاب (قرآن) و نه در سنت (حدیث) و نه در اجماع دارد. (ص ۱۱۶)

چنانچه اشاره شد بحرانی که بر سر الغای خلافت در ترکیه درگرفت، یک نتیجه‌ی فرعی عقیدتی به بار آورد. یعنی اندیشه حکومت اسلامی را به عنوان علی‌البدل خلافت مطرح کرد، چه خلافت تصریحاً یا تلویحاً نه فقط از سوی ترکان طرفدار جدایی دین از سیاست، بلکه از سوی مسلمانان که دیدگاه‌های مختلف و متباعدی داشتند نظیر عبدالرازق، رشید رضا و علمای الازهر، غیرقابل احیاء اعلام شده بود. به زودی اندیشه حکومت اسلامی در کانون اندیشه دینی - سیاسی قرار گرفت. آنچه که این تحول را تسریع کرد، مجموعه‌ای بود از شرایطی که در پی واکنش سنت‌گرایان در قبال علمانیت ترکیه، تجاوز و تهدید بعضی از قدرت‌های غربی، عقب‌نشینی در قبال ایندولوژی‌های عرفی - لیبرال در مصر و آخر از همه ولی نه کم‌اهمیت‌تر از همه پیامدهای بحران فلسطین به بار آمده بود. محمل اصلی بیان این اندیشه، اصل‌گرایی (fundamentalism)، یعنی سیاسی‌ترین جلوه اندیشه دینی از اواسط سال‌های دهه ۱۹۲۰ به این سو، بود. (ص ۱۲۸)

عنايت در فصل سوم کتابش، در مبحث اندیشه حکومت اسلامی، به بررسی این موضوع در اندیشه سازمان‌هایی چون وهابی‌گرایان در عربستان، اخوان‌المسلمین در مصر و برخی کشورهای عربی دیگر، فدائیان اسلام در ایران و جماعت اسلامی در پاکستان و شخصیت‌هایی چون رشیدرضا و ابوالاعلی مودودی می‌پردازد.

بحث‌های جدید جاری در میان مسلمانان درباره خلافت و حکومت از بسیاری وجوه همانا ادامه اندیشه سیاسی اسلامی است که در تاریخ اسلام سابقه دارد. اینها شامل مباحث و مسایلی است که همواره در فرهنگ اسلامی حضور داشته هرچند که ضرب و آهنگ هر مرحله از آن بر اثر سیر و نحوه تماس‌های بین مسلمانان و جهان خارج، تعیین می‌شده است. با این حال تنها اینها مسایل سیاسی‌ای نبوده که ذهن مسلمانان را در دوره معاصر به خود مشغول کرده باشد. مسایل دیگری هم بوده است که از بیرون به ذهن مسلمانان وارد شده است. هرچند این پدیده‌ها و مفاهیم بسیار گسترده‌اند، اما دکتر عنايت در فصل چهارم کتاب خود به سه مفهوم و موضوع اساسی که در سیاست جهان اسلام و در نزد اندیشمندان مسلمان مطرح شده است، اشاره می‌کند: ناسیونالیسم، دموکراسی و سوسیالیسم. در این فصل نیز همانند سایر فصل‌ها و مباحث کتاب، مؤلف این مفاهیم و پدیده‌ها را در مناطق و کشورهای اسلامی و بر اساس نظرات و دیدگاه‌های متفکران مسلمان و بعضاً غیرمسلمان این کشورها بررسی می‌کند.

فصل پنجم و آخرین فصل کتاب اندیشه سیاسی در اسلام معاصر اختصاص به اندیشه سیاسی معاصر شیعه دارد. مرحوم عنايت به عنوان یک ایرانی و شیعه در این فصل می‌کوشد تا با استناد و بهره‌گیری از منابع و آثار اندیشمندان شیعه که در دوره‌های مختلف منتشر شده، رویدادهای مرتبط با تحولات تاریخ تشیع و مفاهیم و موضوعات عمده اعتقادی و رفتاری در مذهب شیعیان، نظری به تجددخواهی شیعه در دوره معاصر بیندازد. بر همین اساس او به دوره مشروطیت و تحولات

بحرانی که بر سر الغای خلافت در ترکیه درگرفت،

یک نتیجه‌ی فرعی عقیدتی به بار آورد؛

یعنی اندیشه حکومت اسلامی را

به عنوان علی‌البدل خلافت مطرح کرد،

چه خلافت تصریحاً یا تلویحاً

نه فقط از سوی ترکان طرفدار جدایی دین از سیاست،

بلکه از سوی مسلمانان که

دیدگاه‌های مختلف و متباعدی داشتند

نظیر عبدالرازق، رشید رضا و علمای الازهر،

غیرقابل احیاء اعلام شده بود

پیش و پس از آن اشاره می‌کند. دکتر عنایت در ابتدای این فصل می‌گوید: در دو قرن اخیر شیعه اثنی‌عشری در ایران، عراق و لبنان، چه در عمل و چه در نظر از خود نشاط و تحرکی سیاسی نشان داده که در تاریخ طولانی‌اش بی‌سابقه بوده است. از نظر مؤلف سرزندگی شیعه در درجه اول با توجه به بعضی امکانات که برای انطباق با تحولات اجتماعی و سیاسی دارد، تبیین می‌گردد. اساسی‌ترین این امکانات اصل اجتهاد است که طرح و تدبیری برای تکمیل منابع فقهی و بالقیه تعیین‌های انقلابی در برابر قدرت‌های دنیوی است (ص ۲۷۵) ضمن اینکه جامعه مذهبی در تاریخ ایران به عنوان کانون شیعه نمی‌توانست در برابر رویدادها و تحولات معاصر و مؤسسات تمدنی جدید مصون و بی‌تفاوت باشد. بر این اساس احیای تفکر شیعی تا حدودی علل و انگیزه‌های سیاسی و اجتماعی داشته است. دکتر عنایت در مبحث مشروطیت نیز به نقش علمای دینی در این جنبش می‌پردازد و آراء اندیشمندان دینی و غیردینی را در این باره مطرح می‌کند. دو مفهوم تقیه و شهادت از محورها و موضوعات فصل آخر کتاب‌اند که مؤلف با بیان پیشینه تاریخی و مفهومی آن، جایگاه این دو مفهوم را در تاریخ معاصر شیعه بررسی می‌کند.

#### چهارم: نقد کتاب اندیشه سیاسی در اسلام معاصر

پیش از آنکه به نقد کتاب اندیشه سیاسی در اسلام معاصر بپردازیم این نکته را یادآور می‌شویم که باید میان جایگاه یک اندیشمند با آثار وی به رغم پیوندی که میان آنهاست تمایز قابل شد تا بر این اساس بتوان گامی مناسب برای شناخت بهتر برداشت. در آغاز این نوشتار، گفتاری کوتاه دربارۀ مرحوم عنایت آرایه شد. حال باید نکاتی را به آن اضافه کرد که بیشتر به آثار ایشان به‌ویژه کتاب اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، مربوط می‌شود. اگر هر اندیشمندی با توجه به ظرف زمان و مکانی که در آن زیست می‌کرد مورد مطالعه قرار گیرد، منطقی‌تر، دقیق‌تر و در چارچوبی مناسب‌تر می‌تواند او را درک کرد. اینکه عنایت، هم در دوره خود و هم در دوره کنونی شخصیتی برجسته در عرصه اندیشه و علم سیاسی محسوب می‌شود به این نکته برمی‌گردد که او با مطالعه آثار و منابع پیشینیان و درک و فهم پدیده‌ها و رویدادهای دوره‌ای که در آن می‌زیست توانست گفتمان‌ها، مفاهیم و روندهای کلان را پیش‌بینی کند.

در زمانه‌ای که جایگاه دین و اندیشه و به‌ویژه اندیشه سیاسی دینی (اسلامی) در مراکز علمی و دانشگاهی چندان جدی گرفته نمی‌شد، مرحوم عنایت به این جایگاه توجه کرد. کتاب اندیشه سیاسی در اسلام معاصر براساس این توجه و مذاقه نگاشته شد. او در این کتاب با ریشه‌یابی جایگاه دین و اندیشه و رفتار دینی در تاریخ اسلام درصدد واکاوی و بازگویی چیزی برآمد که از آن به عنوان احیای اندیشه‌ی دینی و نقش‌آفرینی آن در روند تحولات سیاسی و اجتماعی در جوامع اسلامی به ویژه ایران یاد می‌شود. او در کتاب اندیشه سیاسی در اسلام معاصر که مدت کوتاهی پس از پیروزی انقلاب اسلامی تألیف شد، با استفاده از منابع دست اول همچون قرآن و آثار بزرگان دینی و اندیشمندان مسلمان به طور مستقیم به متون اصلی مراجعه کرد. او با وجود آنکه تحصیلات دینی مرسوم را دنبال نکرد اما کار او در زمینه طرح و بررسی مباحث ماهوی از جمله بحث شهادت، تقیه و حکومت اسلامی با استناد به آیات، روایات، احادیث تفسیرها و متون اسلامی نشان داد که مطالعات جدی، گسترده و ژرفی در این زمینه انجام داده است.

به نظر می‌رسد انتقاداتی که بر عنایت و کتاب اندیشه سیاسی در اسلام معاصر شده است چندان واقع‌بینانه نیست.<sup>۴</sup> هرچند هیچ اثری به‌ویژه در این زمینه فارغ از نقصان و ضعف نیست و براساس این قول معروف که دیکته ناتوشته غلط ندارد، این اثر نیز بی‌عیب و ایراد نیست. یکی از ایرادهای کتاب آن است که با وجود آنکه عنایت تلاش می‌کند به گونه‌ای روشمند و سیستماتیک مباحث خود را شروع کرده و به پایان ببرد، اما به دلیل گستردگی تاریخی و موضوعی و پیچیدگی مفهومی و محتوایی کتاب نتوانسته است چارچوب علمی متقنی برای آن آرایه کند. ارتباط فصول تحقیق، هرچند از نظر سیر تاریخی قابل درک است، اما در بحث محتوایی چندان دقیق و قابل قبول نیست. در هر فصل نیز عنایت به دلیل محدودیت، برخی

از نکات و محورهای خاصی را برگزیده و بررسی کرده است. این برخورد گزینشی که در فصل مربوط به تجددخواهی شیعه آشکارتر است، از ضعف‌های این کتاب محسوب می‌شود. البته باید به این نکته اذعان داشت که در یک کتاب نمی‌توان همه مطالب در این زمینه را مطرح کرد، و اگر عنایت با طراحی و تبیین چارچوب نظری و سازماندهی مناسب تحقیق به نگارش کتاب اقدام می‌کرد، شاید این ضعف مشاهده نمی‌شد.

با این وجود نمی‌توان ارزش و اعتبار کتاب اندیشه سیاسی در اسلام معاصر را به عنوان یک کتاب توصیفی و تحلیلی مناسب که با استفاده و استناد به داشته‌ها و یافته‌های تاریخی و رویکرد جامعه‌شناختی به موضوع اندیشه سیاسی در اسلام پرداخته است، انکار کرد. عنایت در کتاب خود از توصیف مفاهیم و آثار و بیان روندهای تاریخی برای درک و فهم بهتر مقوله موردنظر استفاده می‌کند. این‌گونه توصیف لازم و در جای خود ارزشمند است زیرا برای نهادینه کردن اندیشه‌های سیاسی ضروری است. توصیف‌گری عنایت که از جمله انتقاداتی است که در مورد کتاب اندیشه سیاسی در اسلام معاصر مطرح می‌شود، از باب تکرار گفته‌های دیگران و پیروی از آنان نبود. او را همچنین متهم به محافظه‌کاری در طرح موضوعات و مقولات می‌کنند که این هم منصفانه و منطقی به نظر نمی‌رسد. هرچند عنایت نقد و چالش‌گری مقولات و مفاهیم را دنبال نمی‌کند اما پرسشگری او که معطوف به فهم مقولات و مفاهیم است قابل تأمل و تقدیر است.

نکته دیگری که باید در اینجا به آن اشاره کرد ترجمه دقیق و جذاب بهاءالدین خرمشاهی است. از این کتاب ترجمه دیگری هم شده است<sup>۵</sup> اما این ترجمه به دلیل آشنایی مترجم با سبک نگارش مؤلف از یک سو، دقت و بی‌گیری او برای یافتن معادل‌های مناسب و آشنایی و تسلط مترجم به متون اسلامی دارای اعتبار و کیفیت بالاتری است.

در مجموع می‌توان گفت کتاب حاضر، جدی‌ترین و مهم‌ترین کار تألیفی عنایت است که نه‌تنها در زمان انتشارش در حدود دو دهه پیش، بلکه در حال حاضر نیز همچنان به عنوان منبعی ارزشمند، مورد توجه دانشجویان و دانش‌پژوهان، صاحب‌نظران و اندیشمندان و سایر علاقه‌مندان به مباحث اندیشه سیاسی در اسلام است. با وجود انتشار کتاب‌های ارزشمند دیگر<sup>۶</sup> در این زمینه، کتاب عنایت همچنان جایگاه خود را حفظ کرده است و این ماندگاری نشان از غنای علمی و محتوایی کتاب دارد.

#### پی‌نوشت:

- ۱- برای آگاهی بیشتر در مورد آثار دکتر حمید عنایت بنگرید به: دلود غریب‌زندی (۱۳۷۹) یادمان دکتر حمید عنایت پدر علم سیاست ایران، تهران: انتشارات بقیه.
- ۲- همان منبع.
- ۳- مشخصات متن اصلی کتاب این است:

Hamid Enayat (1982), *Modern Islamic Political Thought*, London: Macmillan Press.

- ۴- یکی از جدی‌ترین انتقادهای به عنایت و کتاب اندیشه سیاسی در اسلام معاصر در منبع زیر مطرح شده است: سیدجواد طباطبائی (۱۳۷۴) این‌خلون و علوم اجتماعی، وضعیت علوم اجتماعی در تمدن اسلامی، تهران: طرح نو، صص ۲۳-۲۰.
- ۵- مشخصات ترجمه دیگر به شرح ذیل می‌باشد:

- حمید عنایت (۱۳۶۲) تفکر نوین سیاسی اسلام، ترجمه ابوطالب صارمی، تهران: سپهر.
- ۶- از جمله این کتاب‌ها عبارت‌اند از:  
- میان محمدشریف (۱۳۷۰) تاریخ فلسفه در اسلام، ترجمه نصرالله پورجوادی و دیگران، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.  
- محمد مسجدجامعی (۱۳۶۹) زمینه‌های تفکر سیاسی در قلمرو تشیع و تسنن، تهران: انتشارات الهدی.  
- حاتم قادری (۱۳۷۸) اندیشه سیاسی در اسلام و ایران، تهران: سمت.  
- دلود فیرخی (۱۳۷۸) قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام، تهران: نشر نی.